

The Phenomenon of "Learning" based on the Lived Experience of 12th Grade Female Students of Public Schools in District 15 of Tehran

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Farzaneh Esmailpour Zanjan¹

Farah Torkaman^{2*}

Fariba Mir Eskandari³

How to cite this article

Farzaneh Esmailpour Zanjan, Farah Torkaman, Fariba Mir Eskandari, The Phenomenon of "Learning" based on the Lived Experience of 12th Grade Female Students of Public Schools in District 15 of Tehran, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2023;6(4):351-362.

1. Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Department of Anthropology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: ft134033@gmail.com

Article History

Received: 2022/11/05

Accepted: 2023/02/09

ABSTRACT

Purpose: In today's world, concepts with a specific definition want to indicate the realities of life that are far away from it and cannot carry the meaning of those realities, so they need to be recognized and redefined. This study with the general purpose exploratory and cognitive, the main goal of studying the "student" phenomenon is based on the lived experience of female students of public schools in the 15th education district of Tehran.

Materials and Methods: This qualitative study was conducted with the interpretive phenomenological methodology approach with the grounded theory method of Strauss and Corbin. With the semi-structured interview research technique until reaching theoretical saturation with 20 working female students studying in the twelfth grade from June 2018 to April 2018. 99 began to collect information.

Findings: The findings of this research were organized and interpreted in the form of 13 categories and then in the form of a 6-part paradigm model.

Conclusion: Categories obtained: justice in school, health in school, idealism in school, quantification and competition in education, student in the position of subject (identifier), expansion of the social world and self-realization, liberation and security in school, analysis of one's position In school, students' social needs, support in school, generational and cultural gap, academic enthusiasm and conscious motivations, sociability in school, finally, the category "negative perception of educational governance" was chosen as the central category and the core of the research.

Keywords: Quantification and Competition in Education, Justice in School, Educational Governance

تهران

مقدمه

با پیشرفت و تحول جوامع انسانی و متناسب با تغییرات ایجاد شده در هر جامعه شیوه‌های آموزشی نیز تغییر کرده است. بین زمان، مکان و آگاهی هر جهان اجتماعی و شکل و نوع آموزش آن رابطه‌ای دوسویه وجود دارد.

«در جوامع ابتدایی آموزش و پرورش جنبه غیررسمی داشت و در واقع با زندگی فرد آمیخته بود. از زندگی در خانواده تا کار و تفریح و انجام مراسم مذهبی و قومی، و از مشاهده طبیعت تا شنیدن روایات پیران قوم، همه فرصت‌هایی برای آموزش محسوب می‌شد» (۱).

«از قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی یعنی قرن ۱۰ و ۱۱ هجری قمری به بعد تعداد زیادی فرهنگستان و انجمن علمی در کشورهای اروپایی تشکیل شد... و در قرن ۱۸ میلادی به تدریج که در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی تحولاتی رخ می‌داد، آموزش و پرورش نیز دستخوش تغییر گردید» (۲).

«در اواخر قرن نوزدهم و با شکل‌گیری و تقویت اندیشه آموزش همگانی، آموزش در قالب نهاد اجتماعی تخصصی تجلی یافت. بدین ترتیب کارکردهای مختلف آموزش و پرورش در همه‌جا به صورت تداوم فرهنگ، انتقال اندیشه‌ها از نسلی به نسل دیگر و پرورش نیروهای جدید برای پذیرش نقش‌های فعال پذیرفته شد» (۳).

«بر اساس برآورد سازمان بهداشت جهانی، علت ۷۰ درصد مرگ‌ها، رفتارهایی هستند، که در نوجوانی ایجاد شده و قابل اصلاح هستند. سالانه هفت هزار نوجوان به ایدز آلوده می‌شوند. سیصد میلیون نوجوان سیگار مصرف می‌کنند که پانزده میلیون نفر از آنان در سنین بزرگ‌سالی به دلیل عوارض استعمال سیگار فوت خواهند کرد. سالانه چهار میلیون نوجوان دست به خودکشی می‌زنند که یک‌صد هزار مورد منجر به مرگ می‌شود. بر اساس سرشماری ۱۳۷۵، نوجوانان ایرانی شانزده میلیون نفر بوده‌اند. آمار مربوط به افسردگی نوجوانان ایران اصلاً رضایت‌بخش نمی‌باشد ۲۷ درصد دانش‌آموزان دبیرستانی افسرده هستند» (۴).

بدون شک، مدرسه تأثیر بسیاری در شکل‌گیری شخصیت و سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان دارد اما چگونگی این شکل‌یابی دارای اهمیت است. قوانین و بخشنامه‌های آموزشی اغلب از بالا و توسط مدیران ارشد و مسئولانی که شناخت زیادی از دانش‌آموزان و خواسته‌ها و نظرات آن‌ها ندارند، تنظیم و تصویب می‌شود؛ به بیانی دیگر دانش‌آموزان به‌عنوان ابژه‌هایی منفعل در نظر گرفته می‌شوند و از معلم و مدرسه انتظار می‌رود به شکل مکانیکی مفاهیم کتب درسی را وارد ذهن دانش‌آموزان کنند.

شاید این نحوه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری برای دانش‌آموزان در دهه‌های گذشته چندان نامطلوب نبوده باشد. اما با توجه به تغییر و تحولات در حوزه زندگی اجتماعی و فردی (رشد فردیت و درخواست حق تعیین نوع زندگی و آزادی‌های فردی و انسانی و ...) باعث شده که در حوزه آموزش چالش‌های جدیدی ایجاد شود و

فرزانه اسماعیل پور زنجان^۱

گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

فرح ترکمان^{۲*}

گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران (نویسنده مسئول).

فریبا میر اسکندری^۳

گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

هدف: در دنیای امروز، مفاهیمی با تعریف خاص می‌خواهند بر واقعیت‌های زندگی در حال شدن دلالت کنند که با آن بسیار فاصله گرفته اند و نمی‌توانند بار معنایی آن واقعیت‌ها را حمل کنند لذا نیاز به شناخت و بازتعریف دارند. این مطالعه با هدف کلی کشفی و شناختی، هدف اصلی مطالعه پدیده "دانش‌آموز" بر اساس تجربه زیسته دانش‌آموزان دختر مدارس دولتی منطقه ۱۵ آموزش و پرورش شهر تهران را دنبال می‌کند.

مواد و روش‌ها: این مطالعه کیفی با رویکرد روش‌شناسی پدیدارشناسی تفسیری با روش نظریه زمینه‌ای استراوس و کربین انجام پذیرفت. با تکنیک تحقیق مصاحبه نیمه ساختاریافته تا رسیدن به اشباع نظری با ۲۰ دانش‌آموز دختر شاغل به تحصیل در پایه دوازدهم از تاریخ خرداد ۹۸ تا اردیبهشت ۹۹ به جمع‌آوری اطلاعات مبادرت شد.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش در قالب ۱۳ مقوله و به دنبال آن در قالب مدل پارادایمی ۶ بخشی تنظیم و تفسیر گردید.

نتیجه‌گیری: مقولات به‌دست‌آمده: عدالت در مدرسه، سلامت در مدرسه، آرمان‌خواهی از مدرسه، کمیت‌گرایی و رقابت‌جویی در آموزش، دانش‌آموز در جایگاه سوژه (شناساگر)، گسترش جهان اجتماعی و تحقق خویش‌نم، رهایی و امنیت در مدرسه، تحلیل موقعیت خود در مدرسه، نیازهای اجتماعی دانش‌آموزان، حمایت‌طلبی در مدرسه، گسست نسلی و فرهنگی، اشتیاق تحصیلی و انگیزه‌های هشیار، جامعه‌پذیری در مدرسه، در انتها مقوله "ادراک منفی از حکمرانی آموزشی" به‌عنوان مقوله مرکزی و هسته پژوهش انتخاب شد.

کلیدواژه‌ها: کمیت‌گرایی و رقابت‌جویی در آموزش، عدالت در مدرسه، حکمرانی آموزشی

- شناخت شرایط زمینه‌ای، در شکل‌گیری مقوله هسته‌ای از دانش‌آموزی،
 - شناخت پیامدهای شکل‌گیری مقوله هسته‌ای از دانش‌آموزی،
 - شناخت راهبردهای شکل‌گیری مقوله هسته‌ای از دانش‌آموزی
- لذا درصدد پاسخ به سؤالات جزئی شرایط علمی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، پیامدها و راهبردها برمی‌آید.
- در بین مناطق ۱۹ گانه آموزش و پرورش شهر تهران، منطقه ۱۵ در جنوب شرقی شهر تهران واقع شده است. دلایل انتخاب این منطقه، گستردگی جغرافیایی و تراکم بالای جمعیت و دارا بودن چندین شهرک اقماری، و داشتن مهاجران زیاد از شهرستان‌ها و یا حتی از کشور همسایه افغانستان است که به دلیل توان کم اقتصادی خانواده‌ها در این منطقه ساکن می‌شوند و همین امر باعث ایجاد تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی زیادی در بین دانش‌آموزان این منطقه می‌شود و این عوامل باعث شده در بررسی و مطالعه آسیب‌های اجتماعی، همواره نگاه ویژه‌ای به این منطقه وجود داشته باشد.

ادبیات پژوهش

این تحقیق کیفی در حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش جای می‌گیرد. «جامعه‌شناسی آموزش و پرورش رشته علمی نسبتاً جدیدی است که آموزش و پرورش و نحوه شکل و سازمان‌پذیری و کارکردهای عمومی آن را در زندگی اجتماعی مطالعه می‌کند. جامعه‌شناسان، آموزش و پرورش را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی یا یک نهاد اجتماعی مشخص و نظیر سایر نهادها و پدیده‌های اجتماعی قابل تحلیل و تبیین تلقی می‌کنند و معتقدند آموزش و پرورش اساساً یک موضوع اجتماعی است» (۷).

نظریه‌های کلاسیک چون، نظریه‌های کارکردگرایی مطرح می‌کنند: نظام آموزشی به‌عنوان بخش لاینفکی از کل جامعه تلقی می‌شود که کارکردهایی نظیر انتقال فرهنگ و جامعه‌پذیری را، برای حفظ نظام اجتماعی جامعه، انجام می‌دهد در این زمینه، تربیت اخلاقی، انضباط، القای ارزش‌ها و آموزش حرفه‌ای از دید جامعه‌شناسانی نظیر دورکیم^۳ و پیروان او، مهم قلمداد می‌شود ... منتقدان این روش بر آن‌اند که رویکرد کارکردی، آرمان‌ها، ارزش‌ها، علایق و انتظارات گروه‌های مختلف و متضاد جامعه را، در ارتباط باهدف‌ها و برنامه‌های نظام آموزشی نادیده می‌گیرد» (۸).

رویکرد تضادگرایی نیز مانند رویکرد کارکردگرایی، کل‌نگر بوده بنابراین جامعه بزرگ را مدنظر قرار داده و بر اهمیت ساختارها در جامعه تأکید می‌کند ... پیروان رویکرد تضادگرایی سنتی معتقدند؛ آموزش و پرورش به‌ویژه آموزش و پرورش رسمی، وسیله‌ای در دست قشرها و طبقات خاص جامعه است. در نظام آموزش و پرورش رسمی با حمایت آموزش و پرورش غیررسمی و نیز بهره‌گیری از قدرت و پایگاه در اختیار، گروه‌های اجتماعی مختلف به مبارزه پرداخته و معمولاً در این مبارزه، گروه‌های ممتاز و مرفه جامعه با استفاده از امکانات بهتر و بیشتر آموزشی، برنده می‌شوند.

ناکارآمدی تعریف مفهوم "دانش‌آموز" در برابر واقعیت آن، لزوم بازتعریف این مفهوم را از دل واقعیت انکارناپذیر کرده است. «به‌طورمعمول فرایند تعلیم و تربیت رسمی تلاش می‌کند تا تصویر آینده جامعه را در آیینۀ مدارس امروز منعکس سازد. از این رو سیاست‌ها و تصمیمات جاری مدارس و مؤسسات آموزشی در وضعیت فردای جامعه به‌شدت تأثیرگذار هستند و شاید بتوان میزان فرهیختگی یک جامعه را به ماهیت و کیفیت تصمیمات اتخاذشده در این زمینه و میزان بلوغ و اعتبار سیاست‌ها و تدابیر موردنظر وابسته دانست» (۵).

با موضوع "دانش‌آموز" مطالعات کریمی و طالبی (۱) تجربه زیسته از حدود حجاب اسلامی را بازنمایی کرده‌اند. قربانی، بهمینار و خضر لو به بررسی بر ساخت دانش‌آموزان از معنای مدرسه پرداخته‌اند و دینار و اندیشمند (۶) با مطالعه عوامل مؤثر بر خوشبینی دانش‌آموزان به نظام آموزشی به زیست جهان دانش‌آموزان ورود پیدا کرده‌اند و هرکدام از این مطالعات با توجه به اهداف خود تنها به یکی از ابعاد و زوایای متعدد زندگی دانش‌آموزی توجه کرده‌اند، هر سه رویکردی پدیدارشناسانه دارند و به توصیف و تفسیر تجربه زیسته دانش‌آموزان پرداخته‌اند و فقدان نظریه‌پردازی وجه مشترک آن‌ها است، اما آنچه این پژوهش را از پژوهش‌های مشابه متمایز می‌کند رفتن به سطح بالاتر از توصیف و تفسیر و تلاش برای تدوین نظریه است و دیگر اینکه در این پژوهش تلاش شده تجربه زیسته دانش‌آموزان به‌طور کلی و از زوایای گوناگون مورد بازنمایی قرار گیرد.

سور و سیلان^۱ و ای‌سی‌روفز و همکاران^۲ به ترتیب اولی به "درک نابرابری‌های ساختاری موجود در جامعه و ارتباط آن با نوع مدرسه" و دومی "تجربه زیسته دانش‌آموزان در تمرینات روزانه کلاس درس" را مورد توجه قرار داده‌اند و درک تجربه حضور دانش‌آموزان و ارتباط آن با کشف و شناخت "خود" را مورد بازنمایی قرار داده‌اند. این دو نمونه مطالعات خارجی نیز پژوهش‌هایی کیفی با رویکرد پدیدارشناسانه درباره تجربه زیسته دانش‌آموزان بوده‌اند.

این پژوهش با رد نگرش طبیعی به "دانش‌آموزی" درصدد پاسخ به سؤال "دانش‌آموزان دختر مدارس دولتی پایه ۱۲ منطقه ۱۵ آموزش و پرورش شهر تهران چه تصویری از دانش‌آموزی خود ارائه می‌دهند؟" هدف کلی شناختی و اکتشافی و برداشتن گامی در بازتعریف مفهوم دانش‌آموزی است. هدف اصلی، شناخت مفهوم "دانش‌آموز" بر اساس تجربه زیسته دانش‌آموزان دختر پایه دوازدهم مدارس دولتی منطقه ۱۵ آموزش و پرورش شهر تهران است. و اهداف جزئی این پژوهش عبارت‌اند از:

- شناخت مقوله هسته‌ای از دانش‌آموزی
- شناخت شرایط علی شکل‌گیری مقوله هسته‌ای از دانش‌آموزی
- شناخت شرایط مداخله‌گر در شکل‌گیری مقوله هسته‌ای از دانش‌آموزی،

³ Durkheim

¹.Sever&Ceylan

².Roofs,E.C&Others

داشتند (کارکردگرایی - ساختارگرایی) و پژوهش را معادل اندازه‌گیری و تحلیل رابطه بین متغیرهای خصوصیات فردی می‌پنداشتند، بر تفهیم و یا تفسیر کنش‌های متقابل اجتماعی هرروزه کلاس درس و آن معنایی از دانش که مدرسه بر آن تأکید دارد قرار گرفت" (۱۲).

مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر، یک مطالعه کیفی با رویکرد پدیدارشناسی تفسیری و روش تئوری زمینه‌ای و تکنیک مصاحبه است. «روش‌شناسی نظریه بنیادی یا نظریه پدیدار شده از واقعیت در میان سنت‌ها و روش‌های تحقیق کیفی به‌عنوان یک گزینه تحقیقاتی مهم مطرح است، اهمیت این روش‌شناسی از یک سو به قابلیت آن در نظریه‌سازی و از سوی دیگر به ایجاد ظرفی برای تحلیل داده‌های کیفی مربوط است.» (۱۳).

در این پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند با مصاحبه از دانش‌آموزان پایه دوازدهم، دانش‌آموزانی که بیشترین تجربه را از مدرسه و این نقش به دست آورده بودند با سؤال "چه تصویری از خود به‌عنوان دانش‌آموز دارند؟" انجام پذیرفت. تعداد مصاحبه‌ها ۲۰ مصاحبه بوده که با انجام ۱۵ مصاحبه اشباع نظری حاصل شد و برای اطمینان بیشتر تا ۲۰ نفر ادامه پیدا کرد این مصاحبه‌ها در بازه زمانی خرداد ۱۳۹۸ تا اردیبهشت ۱۳۹۹ صورت گرفته است.

یافته‌ها

پس از انجام مصاحبه به شکل نیمه ساختاریافته و پیاده کردن آن‌ها بر اساس کدگذاری باز، محوری و گزینشی، مفاهیم و مقولات استخراج و در مصاحبه‌های بعدی نوع سؤالات بر اساس آن مقولات تنظیم گردید. در مرحله کدگذاری باز ۱۱۱۰ کد از ۲۰ مصاحبه استخراج گردید. در مجموع ۱۱۱۰ کد در قالب ۷۵۴ کد اصلی شناسایی شدند. با بررسی و تحلیل کدهای استخراج‌شده و دسته‌بندی آن‌ها ۶۹ طبقه ایجاد و نام‌گذاری گردید و سپس این طبقات در ۱۳ تم (مقوله) دسته‌بندی و نام‌گذاری شدند و سپس مدل پارادایمی شش‌بخشی تنظیم گردید. همچنین در این مرحله مقوله هسته‌ای پژوهش استخراج گردید. (کدگذاری باز، محوری و گزینشی).

مقوله اول: عدالت در مدرسه: «بررسی تاریخ نظام‌های آموزش و پرورش نشان می‌دهد که عدالت و عدالت محوری همواره یکی از دغدغه‌های فیلسوفان تعلیم و تربیت بوده است در هر جامعه‌ای مردم معمولاً انتظار دارند که نظام آموزش و پرورش جامعه را به سوی زندگی اجتماعی بهتر و عادلانه‌تر سوق دهد» (۱۴). دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش نسبت به امکانات و شرایط موجود در مدرسه احساس بی‌عدالتی می‌نمودند. نمونه‌ای از نقل قول‌ها:

"به نظر من بین مدارس دولتی و غیردولتی از نظر امکانات خیلی تفاوت وجود دارد و درست است که مدارس غیردولتی خیلی پول می‌گیرند و باید هم امکانات بیشتر و خدمات بهتری به دانش‌آموزانشان بدهند ولی خوب بچه‌هایی که در مدارس دولتی

طرفداران این رویکرد در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و به‌علاوه در درون آن، بین معلم و دانش‌آموز، نوعی تضاد حس می‌کنند» (۹). نظریه‌های تعامل‌گرایی (کنش متقابل نمادین) به کنش‌های متقابل میان گروه هم‌ان - معلم، معلم - مدیر، نگرش‌ها و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، ارزش‌های معلمان و دانش‌آموزان، خودانگاری‌های دانش‌آموزان و تأثیر آن بر آرزوها و آرمان‌ها، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان" را مورد توجه قرار می‌دهند (۸).

پارادایم انتقادی که در گروه نظریه‌های معاصر آموزش و پرورش قرار می‌گیرد، تفسیر متفاوتی از آموزش و پرورش و رابطه آن با جامعه، ارائه می‌دهد. "این پارادایم نیز مانند کارکردگرایی، معتقد است مدرسه رابطه نزدیکی با جامعه دارد اما بر این باور است که مدرسه بیشتر با تقاضاهای سرآمدان جامعه رابطه دارد تا با نیازهای کل آن، به‌علاوه این پارادایم بیشتر بر ارتباط بین آموزش و پرورش رسمی و آموزش مطیع بودن تأکید دارد تا بر کسب مهارت‌های شناختی نویسندگان انتقادی تأکید بر این دارند که مدرسه تمایلی به تغییر در روابط اجتماعی ندارد و تابع نظم سیاسی - اجتماعی حاکم است" (۳).

نظریه مدرسه زدایی از جامعه (ایوان ایلچ)^۱ تلاش کرده با تجزیه و تحلیل خود، مفهوم مدرسه زدایی از جامعه مدرسه زده را توضیح دهد او معتقد است "نه تنها آموزش بلکه خود واقعیت جامعه‌ی نیز مدرسه زده شده است. او ادعا می‌کند که اسطوره زدا ست. او محصول دو نهاد از خودیگانه ساز مدرسه و کلیسا است. به‌ناچار به زبان مدرسه رفتگان و مدرسه زدگان سخن می‌گوید. کتاب جنجالی او بیشتر در محافل دانشگاهی و یونسکویی که دژهای استوار دفاع از مدرسه هستند به کار گرفته می‌شود این کتاب نظرات وی درباره مدرسه روی همگانی در آمریکا است." (۱۰).

فرهنگ سکوت (پائولو فریره)^۲ از دیگر نظریه‌های انتقادی پیشگام در حوزه آموزش و پرورش است. فریره با نظر به اندیشه اسلاف خود و تجربیاتش در قلمرو اندیشه، مقوله‌ای را کشف کرد که خود آن را "فرهنگ سکوت" نامیده است. فرهنگی که سرکوب‌شدگان همواره به کارش می‌گیرند. او به این واقعیت پی برد که جهالت و خواب دائمی ستم دیدگان نتیجه حاکم شدن شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و سلطه زورمندان‌های است که آن‌ها قربانیانش هستند. اینان به جای مقابله با وضع موجود، دچار شرایطی می‌شوند که نمی‌توانند در برابر آن به‌طور فعال از خود واکنش نشان دهند. بدین‌سان بر پائولو فریره آشکار می‌شود که نظام آموزشی به‌طور کامل در خدمت فرهنگ سکوت قرار دارد و از این زمان کار خود را برای آموزش آغاز کرد و توانست ایده‌های ابتکاری بر فلسفه آموزش و پرورش بیفزاید (۱۱).

پارادایم تفسیری (اصطلاح جامعه‌شناسی جدید آموزش و پرورش) ابتدا در انگلستان و در اوایل ۱۹۷۰ میلادی به کار رفت تا به تفاوت سبک نظریه و پژوهش مورداستفاده در این حوزه یا رشته عمومی آموزش و پرورش تأکید کند. "برخلاف پژوهش‌های پیشین، که به‌طور نظری بر ساختار و کارکرد جامعه و آموزش و پرورش تأکید

².paulo Freire

¹.Ivan Illich

هستند چه گناهی کرده‌اند که باید این همه کمبود امکانات داشته باشند" (مصاحبه ۴)

مقوله دوم: جامعه‌پذیری در مدرسه

دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها معتقد بودند، یادگیری‌ها صرفاً از آموزش‌های رسمی مدرسه حاصل نمی‌شود حضور در مدرسه در قالب نقش دانش‌آموز فرصتی برای آن‌ها ایجاد می‌کند تا توانایی‌ها و استعداد‌های خود را شکوفا کنند. نمونه‌ای از نقل‌قول‌ها: "به نظرم دانش‌آموز بودن به من یاد داد تلاش کنم مثلاً اگر اون موقع نمرهٔ ۱۸ می‌شدم تلاش می‌کردم که دفعه بعد بیست شوم در صورتی که اگر وارد مدرسه نمی‌شدم شاید اون قدر تلاش کردن برای رسیدن به هدفم را یاد نمی‌گرفتم که خودم را ارتقا بدهم و به نظرم مدرسه و دانش‌آموز بودن تلاش برای زندگی را به من یاد داد و اینکه سطح خودم را بالاتر ببرم و از آن چیزی که هستم بهتر بشوم." (مصاحبه ۱۴)

مقوله سوم: آرمان‌خواهی از مدرسه

سومین مقوله به‌دست‌آمده در این پژوهش آرمان‌خواهی است که منظور از آن اموری است که دانش‌آموزان به تجربه و بر اساس عقل و منطق به آن‌ها احساس نیاز می‌کنند و تلاش می‌کنند تا به آن‌ها دست یابند. در واقع ایده آل‌های دانش‌آموزان محسوب می‌شوند. نمونه‌ای از نقل‌قول‌ها:

"یک دلیل دیگرش هم به نظر من این است که چیزی به بچه‌ها یاد نمی‌دهند و همان عقاید خودشان را به‌زور می‌کنند در سر بچه‌ها یعنی اگر یک معلم عقاید مذهبی داشته باشد به‌زور اون عقایدش را می‌خواهد بقبولاند به بچه‌ها بدون توضیح و هیچ دلیل محکمی وقتی من از او می‌پرسم خوب خانم چرا باید این کار را بکنم بدون این‌که جوابی بدهد فقط داد و بی داد می‌کند و برعکس اون معلمی که خیلی عقاید محکمی ندارد می‌خواهد بچه‌ها را از دین برگرداند." (مصاحبه ۱۰)

مقوله چهارم: کمیت‌گرایی و رقابت‌جویی در آموزش

مقوله چهارم در این پژوهش کمیت‌گرایی و رقابت‌جویی می‌باشد. منظور از آن غلبهٔ کمیت و اهمیت زیاد به آن در مقابل کیفیت است به‌گونه‌ای که کیفیت قربانی کمیت می‌شود و به دنبال غلبهٔ چنین نگاهی به تعلیم و تربیت و ارزشمندی کمیت‌ها در مدرسه، دانش‌آموزان برای دستیابی به آن‌ها با یکدیگر به رقابت می‌پردازند تا جایی که رفاقت‌ها تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. نمونه‌ای از نقل‌قول‌ها:

"در دوران دبیرستان هم امتحان ورودی نمونه دولتی دادم و در مدرسه نمونه دولتی قبول شدم و دو سال اونجا بودم اما متأسفانه اصلاً جو خوبی نداشت و به‌شدت رقابت ناسالمی بین بچه‌ها بود." (مصاحبه ۱۹)

مقوله پنجم: دانش‌آموز در جایگاه سوژه (شناساگر)

منظور از آن کنش‌هایی است که دانش‌آموزان در مقابل مسئولین و امور گوناگون در مدرسه از خود نشان می‌دهند. موضعی که در

موقعیت‌های مختلف اتخاذ می‌کنند. به‌طور کلی منظور از آن تأکید بر کنش‌گری دانش‌آموزان در موقعیت مدرسه دارد؛ که نشان‌دهندهٔ پویایی و عاملیت در زیست دانش‌آموزی در مدرسه است... نمونه‌ای از نقل‌قول‌ها:

"روابط میان دانش‌آموزان با معلم‌ها به نظر من تا حد زیادی به دست خود معلم است اگر معلم با بچه‌ها رفتار خوبی داشته باشد بچه‌ها نسبت به آن معلم و درسی که او تدریس می‌کند احساس خوبی پیدا می‌کنند و به سمت آن معلم جذب می‌شوند و حتی آن درس را هم دوست دارند..." (مصاحبه ۴)

مقوله ششم: گسترش جهان اجتماعی و تحقق خویشتن

این مقوله اشاره به این دارد که دانش‌آموزان با حضور در مدرسه در گستره‌ای از روابط اجتماعی قرار می‌گیرند و با افراد و گروه‌های گوناگون و مختلفی تعامل پیدا می‌کنند و دامنه تعاملات آن‌ها به‌طور چشمگیری گسترش می‌یابد؛ که بدون حضور در مدرسه، این حجم و میزان از تعاملات هرگز امکان‌پذیر نمی‌شد. نمونه‌ای از نقل‌قول‌ها:

"اینکه در جامعه افراد زیادی وجود دارند که شما باید بتوانید ارتباط صحیحی با آن‌ها داشته باشید و تو نمی‌توانی بگویی که همه افرادی که با شما تفاوت دارند یا نمی‌توانی با آن‌ها باشی را کنار بگذاری و باید یاد بگیری با افراد مختلف کنار بیایی چون در جامعه بزرگ‌تر هم که وارد بشوی همین‌طور است و همه مثل هم نیستند و اخلاق و رفتارهای متفاوتی دارند؛ و این در واقع یعنی باعث تغییر در نوع نگرش ما می‌شود." (مصاحبه ۱۱)

مقوله هفتم: رهایی و امنیت در مدرسه

این مقوله به حضور اجباری و احساس فشار روحی و روانی وارد بر دانش‌آموزان اشاره می‌کند. نمونه‌ای از نقل‌قول‌ها:

"بچه‌ها در مدرسه حال خوب ندارند آسایش ندارند می‌توانند وقتی برمی‌گردند خانه به‌جای این‌همه خستگی یک حال خوب داشته باشند نه این‌که با یک عالمه خستگی و استرس بیان سر کلاس و برگردند خونه" (مصاحبه ۱۰)

مقوله هشتم: سلامت در مدرسه

حضور در مدرسه بر ابعاد مختلفی از زندگی دانش‌آموزان از جمله سلامت جسمی، روحی و روانی آن‌ها تأثیرگذار است و این مقوله به این امر اشاره دارد؛ و نیازهای فیزیولوژیکی مانند خواب و خوراک و سلامت جزء نیازهای حیاتی انسان برای ادامه بقا می‌باشد.

نمونه‌ای از نقل‌قول‌ها:

"من بلایی را که معلم کلاس اول سرم آورد را هیچ‌وقت یادم نمی‌ره، الان خواهر من کلاس ششم است و آن‌قدر معلم بدی دارد که خواهرم معده درد گرفته و از استرس خوابش نمی‌بره و باید شبی دو تا رانیتیدین بخوره" (مصاحبه ۲۰)

مقوله نهم: تحلیل موقعیت خود و مدرسه

مسائل و مشکلات زندگی با آن‌ها صحبت کنیم و آن‌ها گوش کنند." (مصاحبه ۳)

مقوله دوازدهم: گسست نسلی و فرهنگی
«شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری بین دو نسل با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. شکاف نسلی هنگامی محقق می‌شود، که واحدهای نسلی شکل بگیرد؛ و شکاف ارزشی درون خانواده و بین نسل‌ها، زمانی اتفاق می‌افتد که انتقال فرهنگی با مشکل روبه‌رو شود» (۱۵). نمونه‌ای از نقل‌قول‌ها:

"چون بچه‌ها فقط ۶ ساعت توی مدرسه هستند و وقتی از آن محیط خارج می‌شوند شاید یک آدم دیگری باشند و من در دوران مدرسه شاید خیلی از معلم‌ها و مدیران مون سخت‌گیری می‌کردند اینکه زیر ابرو برداری یا سیل‌هایت را اصلاح کنی البته نه اینکه سخت‌گیری کنند این‌ها جزء قانون مدرسه است و باید رعایت بشود اما این چه فایده که وقتی فرد از مدرسه خارج می‌شود یک فرد آزاد است شما وقتی بیرون می‌آیی تمام آن قانون‌ها مدرسه را نقض می‌کنی من بعدش دچار دوگانگی می‌شوم می‌پرسم خود واقعی من چه ایرادی داره که باید پنهانش بکنی" (مصاحبه ۹)

مقوله سیزدهم: اشتیاق تحصیلی و انگیزه‌های هشیار
«اشتیاق تحصیلی به میزان انرژی که یک فراگیر برای انجام کارهای تحصیلی خود صرف می‌کند و نیز میزان اثربخشی و کارایی حاصل‌شده اطلاق می‌گردد. نیومن، والگ و لامبورن از اشتیاق تحصیلی به‌عنوان سرمایه روانی دانش‌آموزان و تلاش مستقیم آن‌ها برای یادگیری و کسب مهارت‌ها و تمایل به ارتقاء سطح موفقیت‌ها یاد کرده‌اند... در کتب مختلف علوم انسانی به‌جای کلمه اشتیاق از کلمه "انگیزش" استفاده‌شده است که ... اعمال آدمی را دو گونه می‌داند. یکی ارادی (هشیار) دیگری سائقی انگیزشی» (۱۶).

نمونه‌ای از نقل‌قول‌ها:
"آن استرس و نگرانی مدرسه و یک دلیلش هم این است که فضای مدرسه به‌شدت خشک و نچسب است و بچه‌ها هیچ علاقه‌ای به اون فضا ندارند اگر یک‌کمی حال خوب باشد و فضا شادتر باشد همه مدرسه را دوست دارند و یک دلیل دیگرش اون استرس و نگرانی است که مدرسه به بچه‌ها می‌دهد همش استرس امتحان و نگرانی نمره و همه این‌ها باعث شده از فضای مدرسه نفرت پیدا بکنند" (مصاحبه ۱۰).

بنا به تعریف تحلیل‌گر کسی است که می‌تواند ساختار و اجزای یک موضوع را درک کند و منظور از تحلیل موقعیت خود این است که دانش‌آموزان مصاحبه شده در این پژوهش قادر به تحلیل موقعیت خود در مدرسه بوده‌اند و این توانایی را به دست آورده‌اند؛ و در جایگاه یک دانش‌آموز و عضوی از مدرسه بتوانند، نگاه عمیق‌تری به دنیای اطراف خود داشته باشند و چالش‌های موجود در محیط را درک کنند. نمونه‌ای از نقل‌قول‌ها:

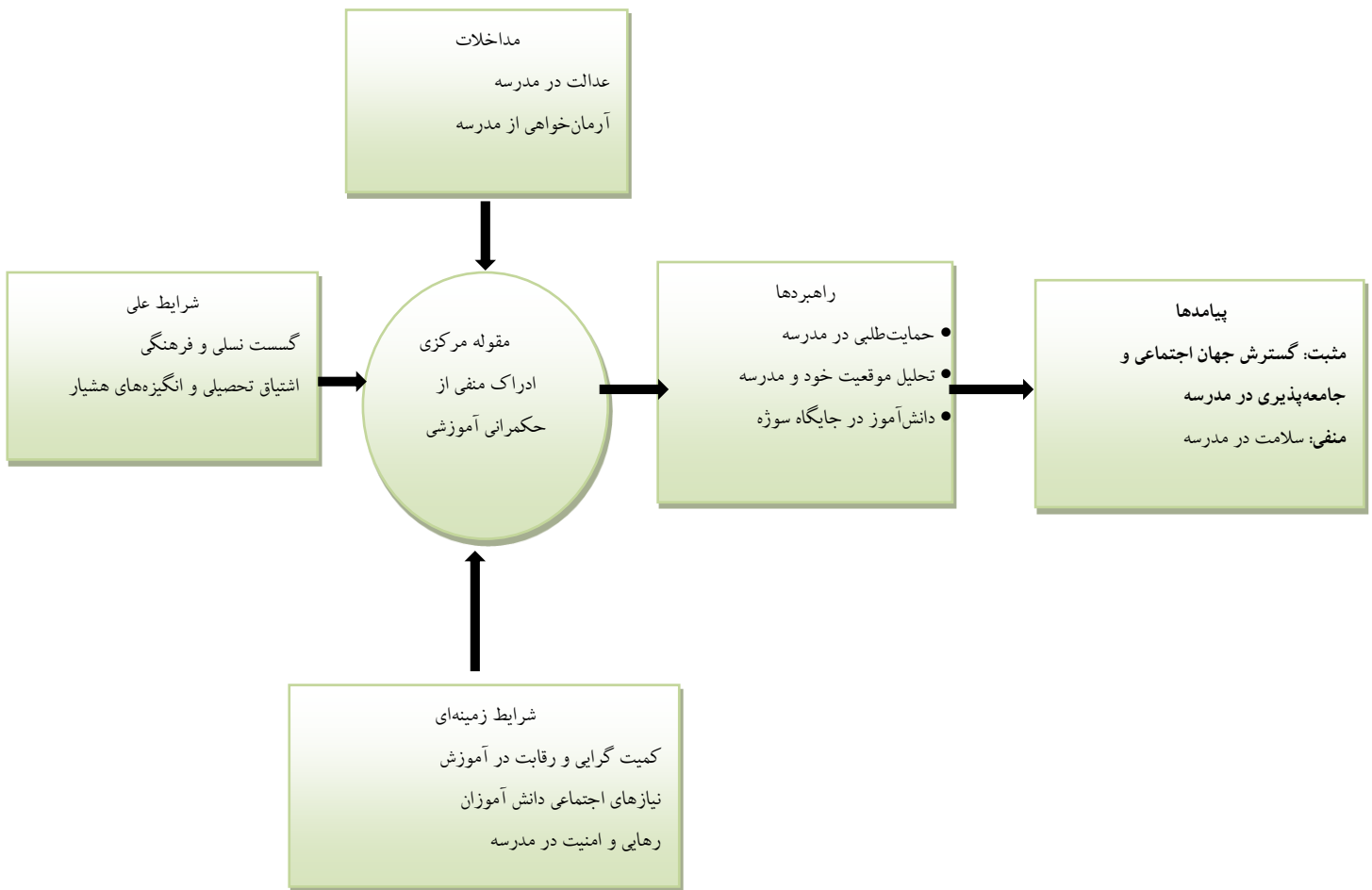
"هر وقت در فیلم‌های خارجی محیط مدرسه آن‌ها را می‌دیدم به حالشان غبطه می‌خوردم به خاطر محیط شادی که دارند و می‌توانند بدون هیچ نگرانی و استرسی تحصیل کنند و در کل بخواهم بگویم نظام آموزش و پرورش ایران به‌شدت افتضاح است." (مصاحبه ۲)

مقوله دهم: نیازهای اجتماعی دانش‌آموزان
این مقوله به دسته‌ای از نیازهای دانش‌آموزان اشاره می‌کند که به فلسفه رضایت از زندگی مربوط می‌شود. نمونه‌ای از نقل‌قول‌ها:

"خود دانش‌آموزها به هم بگوبخند دارند و مسخره‌بازی درمی‌آورند و سعی می‌کنند برای خودشان در مدرسه فضای شادی ایجاد کنند ولی فضای مدارس ایران به نظر من خیلی خشک است چون من خیلی از کشورهای دیگر را دیدم که بزن و برقش و فضای مختلط دارند توی مدرسه جدای از اون آن‌قدر فضای خوب و شاد برای بچه‌ها درست می‌کنند، اونقدر محیط‌های خوب درست می‌کنند که بچه‌ها دیگه دلیلی نمی‌بینند که بخواهند دنبال سوژه برای خنده و خوشحالی بگردند مثلاً آن‌قدر محدودمان کردند در مدارس که حالا این بیشتر در دختران هست ما خودمان یواشکی بزن و برقش راه می‌انداختیم و حالا چی بود این که دست بزنی و بزنی." (مصاحبه ۱۰)

مقوله یازدهم: حمایت‌طلبی در مدرسه
منظور از حمایت‌طلبی در مدرسه عبارت است از: تلاش دانش‌آموزان برای حل مشکلات و چالش‌های موجود در مدرسه و ارائه راه‌حل‌ها و اقداماتی که منجر به بهترشان وضعیت آن‌ها بشود؛ و به‌نوعی حمایت‌طلبی از خود محسوب می‌شود. آن‌ها به‌طور واضح و آشکار برای رهایی از فشارها و سختی‌های مدرسه درخواست حمایت و کمک می‌کردند از معلم‌ها، مدیر و معاون و خانواده‌های خود انتظار حمایت داشتند. نمونه‌ای از نقل‌قول‌ها:

"توقع اصلی ما از معلم‌هایمان این بود که ما را درک کنند (نه اینکه وقتی درس نمی‌خوانیم آن‌ها قبول کنند) ما دوست داشتیم در مورد



نمودار ۱- الگوی/ نظریه پدیده "دانش آموزی" بر اساس تجربه زیسته دانش آموزان در مقطع پایانی متوسطه دو

نتیجه گیری

در جوامع در حال گذار ارزش‌ها و الگوهای سنتی به سرعت در حال رنگ باختن هستند و از سوی دیگر ارزش‌ها و هنجارهای مدرنیته در جامعه به خوبی نهادینه نشده‌اند. این جوامع با مشکلات بسیاری روبرو هستند. در این وضعیت ارزش‌های دوگانه و گاه متعارض در جامعه وجود دارد که در عرصه‌های گوناگونی خود را نشان می‌دهند. نظام تعلیم و تربیت یکی از نهادهایی است که این دوگانگی‌ها و مشکلات ناشی از آن را بیشتر نشان می‌دهد. آنچه از ظاهر امر پیداست این است که ما، در شکل ظاهری مدرن شده‌ایم اما به عمق آن نرسیده‌ایم. دانش‌آموزان ما تحت تأثیر رسانه‌ها با ارزش‌های مدرن آشنا شده‌اند. ارزش‌هایی چون آزادی، توجه به فردیت و تفاوت‌های فردی، عدالت و... این امر چالش‌های زیادی را برای نظام تعلیم و تربیت ایجاد کرده است؛ و در این میان نظام آموزش و پرورش رسمی هم بار آموزش علوم و فنون جدید را بر دوش می‌کشد و هم مسئولیت انتقال سنت و تربیت دینی را وظیفه خود می‌داند. در نتیجه نظام تعلیم و تربیت در کشورهای در حال گذار، کشورهایی که نه کاملاً سنتی هستند و نه به طور کامل مدرن شده‌اند، با چالش‌های بیشتری مواجه است. (۱۷).

حضور در مدرسه و به دنبال پذیرش نقش دانش‌آموزی بر جنبه‌های مختلفی از زندگی فرد تأثیرگذار است دورانی نسبتاً طولانی که سال‌های مهمی از زندگی فرد را دربر می‌گیرد. تجربه زیسته دانش‌آموزان و ادراک آن‌ها از دانش‌آموزی، همچون سایر پدیده‌های

اجتماعی، مکانمند، زمانمند و تحت تأثیر فرهنگ هر اجتماع است و همه دانش‌آموزان ادراک یکسانی از این دوران در ذهن خود ندارند. تجربه زیسته افراد تفاوت‌های بسیاری باهم دارد. علی‌رغم وجود تفاوت‌ها گاه می‌توان اشتراکاتی هرچند محدود در توصیفات آن‌ها یافت. دانش‌آموزانی که در این مصاحبه‌ها شرکت کردند تجربه زیسته خود را این چنین توصیف می‌کردند:

اولین تجربه حضور در مدرسه برای بیشتر دانش‌آموزان احساسی مرکب از بیم و امید، شور و شوقی همراه با ترس و نگرانی است. اشتیاق برای یادگیری، پیشرفت و استقلال و درعین حال ترس و نگرانی کودک از حضور در محیطی ناآشنا و دور شدن از والدین و برخورد با افرادی که شناختی از آن‌ها ندارند. عوامل گوناگونی می‌توانند در این زمان بر شناخت اولیه کودک از مدرسه تأثیرگذار باشند. عواملی چون حمایت و حضور والدین، سطح فرهنگی و طبقاتی خانواده‌ها، چگونگی نوع برخورد اولیای مدرسه، محیط فیزیکی مدرسه و دوستانی که کودک در مدرسه با آن‌ها آشنا می‌شود.

دانش‌آموزان ورود به مدرسه و دانش‌آموز شدن را مرحله گذار از کودکی به بزرگسالی می‌دانند؛ که طی این دوران به تدریج آمادگی‌های لازم برای شروع زندگی در جامعه را به دست خواهند آورد. در این مسیر به تدریج از توانایی‌های مختلف خود آگاه می‌شوند و به شناختی از نقاط قوت و ضعف خود دست می‌یابند. بخش مهم و ارزشمندی از تجربه زیسته دانش‌آموزان به جهان دوستی‌ها و روابط

است، به باور برگر و لوکمان دچار "استحاله سرد" می‌شوند. عده‌ای برای رهایی از این وضعیت دست به پنهان کردن خود واقعی شان و تظاهر و ریا می‌زنند. بنا بر آنچه دانش‌آموزان در مصاحبه‌ها بیان می‌کردند این پنهان کردن "خود واقعی" در مدرسه احساس بدی در آن‌ها ایجاد می‌کند، همچنین از لحاظ هویتی آنان را دچار بی‌ثباتی می‌کند. البته این امر برای همه دانش‌آموزان یکسان نیست دانش‌آموزان و خانواده‌هایی که گرایش‌های مذهبی پررنگ‌تری دارند به نسبت سایرین تعارض‌های کمتری را تجربه می‌کنند.

تجربه زیسته ادراک‌شده توسط دانش‌آموزان در این پژوهش تجربه‌ای "دوبعدی" و "دووجهی" و متغیر در طی دوران تحصیل توصیف شده است. یک وجه آن جامعه‌پذیر شدن و گسترش جهان اجتماعی که در عین حال وجه مطلوب و مقبول دانش‌آموزان است وجه دیگر، تهدید سلامتی جسمی، روحی و روانی دانش‌آموزان در مدرسه است که دانش‌آموزان نسبت به آن ادراک و احساس ناخوش آیند و منفی دارند.

پس از انجام مراحل مختلف مصاحبه، کدگذاری و استخراج مقوله‌ها، با دقت و بررسی حساسیت نظری و دیدگاه‌های نظری موجود از درک دانش‌آموزان از "پدیده دانش‌آموزی و مدرسه" با توجه به اینکه هریک از مقولات به دست آمده جنبه مهمی از ادراک پدیده دانش‌آموزی را تبیین می‌کنند، اما قادر به بیان ادراک دانش‌آموزان از زندگی دانش‌آموزی به طور کامل نمی‌باشند لذا مقوله، ادراک منفی از حکمرانی آموزشی به عنوان مقوله اصلی در این پژوهش انتخاب شد؛ و به عنوان علت‌العلل و علت اصلی انتخاب گردید.

یافته‌ها نشان داد که درک دانش‌آموزان از حکمرانی آموزشی دیدگاهی مثبت نبوده و درک اغلب دانش‌آموزان از این پدیده منفی و در قالب عبارتی مانند "نظام آموزش اقتضاح" و "عدم توجه و بی‌ارزشی دانش‌آموز" "ما چه تقصیری داریم که باید اینجا درس بخوانیم" بیان شده است؛ که این امر می‌تواند آثار و پیامدهای نامناسبی برای نظام آموزشی ما در برداشته باشد. «بنابراین هرگونه تلاش برای بهبود حکمرانی آموزشی در مدارس و تبدیل آن به حکمرانی خوب می‌تواند منجر به تجارب بهتر و درک بهتر از پدیده دانش‌آموزی و مدرسه گردد. حکمرانی خوب، مدیریت شفاف و پاسخگو در یک نظام آموزشی باهدف تضمین توسعه علمی، اقتصادی و اجتماعی عادلانه و پایدار صورت می‌گیرد. نظام آموزشی همواره بر آن است، با تکیه بر این مفهوم و ارائه شاخص‌های آن بتواند جایگاهی مستحکم برای خود در میان ذی‌نفعان بیابد. حکمرانی خوب به عنوان روشی نوین برای توسعه پایدار نظام آموزشی مطرح بوده و می‌توان ادعا کرد که یکی از دلایل پرداختن به حکمرانی خوب، نقش آن بر کارآمدی نظام‌های آموزشی است» (۱۸). منیعی نشان داد که ارتقای بخش خصوصی به عنوان عامل تولید در تقویت رشد مهم‌ترین عامل در جهت حکمرانی تربیتی مناسب در نظام آموزشی می‌باشد و همچنین تقویت مشارکت مردمی به منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری و فعال ساختن جامعه مدنی (از طریق اطلاعات، مشاوره و مشارکت) از دیگر عوامل مؤثر بر حکمرانی مناسب هستند. نصیر ناتری نیز نشان داد تحقق حکمرانی خوب در نظام آموزش عمومی کشور در قالب

آن‌ها با همسالان خود اختصاص دارد. آن‌ها در کنار یکدیگر تجربه‌های فراوانی به دست می‌آورند با افراد مختلفی آشنا می‌شوند و حضور در مدرسه به طرز چشمگیری دامنه تعاملات و ارتباطات آن‌ها را گسترش می‌دهد که بدون حضور در مدرسه برای آن‌ها این حجم از تعاملات امکان‌پذیر نمی‌شد. در طی این دوران نسبتاً طولانی واقعیت‌های دیگری نیز در حال رخ دادن است که به تدریج نگاه و ادراک مثبت آن‌ها از مدرسه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به مرور این احساس در آن‌ها شکل می‌گیرد که مدرسه مکان کاملاً امن و بدون نقص و ایرادی که آن‌ها در ابتدا تصور می‌کردند نیست. بیشتر دانش‌آموزان تجربه‌های تلخی از توهین، تحقیر، ناکامی و تنبیه، تبعیض، اخراج از کلاس و ... را تجربه می‌کنند و در بهترین حالت حتی اگر در مورد خودشان پیش نیاید شاهد روی دادن چنین رخدادهایی برای دوستان و همکلاسی‌های خود هستند و این امکان وجود دارد که هر لحظه خود نیز به چنین احوالاتی دچار شوند. خشونت‌های نمادین در زیرپوست مدرسه در جریان است که گاه نقاب برمی‌افکند و نمایان می‌شود. برای تعدادی از دانش‌آموزان حتی زمانی که سال‌های زیادی از تجربه‌های تلخشان در مدرسه گذشته است یادآوری آن وقایع هم ناراحت‌کننده است به علاوه با گذشت زمان درس‌ها به تدریج سخت‌تر می‌شود و حجم تکالیف و انتظارات بسیار زیاد می‌شود. این روند تا جایی ادامه می‌یابد که در پایه دوازدهم (جامعه آماری مورد نظر ما در این پژوهش) برای تمام شدن مدرسه لحظه‌شماری می‌کنند و گاهی حتی دچار از خودبیگانگی می‌گردند و به خوبی نمی‌دانند به چه دلیل باید این مقدار از سختی و فشار و استرس را تحمل کنند. در این زمان مدرسه در نظر آن‌ها مقبولیت و مطلوبیت خود را از دست داده و کم‌ترین مشکلات در نظر آن‌ها بزرگ جلوه می‌کند. کمبود امکانات آموزشی، کتاب‌های سنگین و غیرکاربردی (محتوای درسی مرده)، رفتار نامناسب معلم، معاون و مدیر برای بعضی غیرقابل تحمل می‌شود. آن‌ها اغلب بین مدرسه آرمانی خود و معلم ایده‌آشان و وضع موجود تفاوت زیادی می‌بینند. در کنار این‌ها تأمین هزینه‌های تحصیلی و پرداخت شهریه مدرسه برای بسیاری مشکل‌آفرین است و بسیاری از خانواده‌ها توانایی مالی لازم را ندارند، این مسئله باعث نگرانی و ناراحتی دانش‌آموزان می‌شود. بدترین قسمت این دوران پایه دوازدهم، فکر کنکور و امتحان نهایی است که آرامش آن‌ها را برهم می‌زند. اغلب آن‌ها زمان کافی برای استراحت ندارند، بسیاری از آن‌ها به اختلال خواب و یا تپش قلب و استرس مبتلا می‌شوند و کسی به اعتراض و نظر و عقیده آن‌ها توجه چندانی نمی‌کند. تلاش آن‌ها برای کم کردن مشکلات کمتر نتیجه می‌دهد. گاه نماینده‌ای انتخاب می‌کند تا مشکلات آن‌ها را بازگو کند و گاه در بعضی کلاس‌ها دست به اعتراض می‌زند. به گفته خودشان با بعضی معلم‌ها لج می‌کنند و درس آن‌ها را نمی‌خوانند و ... به هر حال تلاش می‌کنند تا وضعیت خود را تا آنجا که می‌توانند هر چند محدود تغییر دهند. هر چند که ساختارها بسیار سخت و غیرقابل نفوذ جلوه می‌کنند، ولی آن‌ها هم منفعل و خاموش نیستند.

از دیگر مشکلات آن‌ها وجود تعارض و دوگانگی بین ارزش‌های مورد قبول آن‌ها و خانواده‌هایشان با ارزش و هنجارهای مدرسه و جامعه است که نتیجه آن سرگشتگی و سردرگمی برای دانش‌آموزان

«این واقعیت را باید بپذیریم که کتب درسی در حقیقت محتوای روحی و فکری آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهد. باید کتب درسی ما با توجه به نیازهای آینده جامعه و منطبق با نیازهای فکری و همه ابعاد زندگی تهیه شود تا بتواند دانش‌آموز را به خود جذب کند.» (۲۲).

طبق گفته‌های دانش‌آموزان کتاب‌های درسی به شدت غیر کاربردی و در عین حال سخت و حجیم هستند و همین امر باعث دلزدگی و بی‌علاقگی به آن‌ها می‌شود. دانش‌آموزان معتقد بودند هر مقدار کتاب‌ها بیشتر به درد زندگی حال و آینده ما بخورد میل و اشتیاق ما هم افزایش می‌یابد اما آنچه در واقعیت امروز کتاب‌های درسی به وضوح دیده می‌شود غیر کاربردی و غیر مفید بودن آن‌هاست.

یکی دیگر از عوامل مؤثر در علاقه و انگیزه تحصیلی توجه به استعداد و تفاوت‌های فردی است. در نظام آموزشی ما نحوه انتخاب رشته و هدایت تحصیلی بیشتر نمدان است. اغلب بر اساس استعداد و توانایی‌های دانش‌آموزان انجام نمی‌شود. تعداد زیادی از دانش‌آموزان یا بنا بر اجبار خانواده، مدرسه و یا تحت تأثیر فضای فکری غالب بر جامعه و آینده شغلی، در رشته‌هایی درس می‌خوانند که چه بسا اصلاً علاقه‌ای به آن ندارند. مدل آموزشی ما مدل خط تولید کارخانه‌ای است سعی می‌کنیم. استعدادهای مختلف را سرکوب و محصولات کم‌بیش یکسانی تولید کنیم و این به معنی نادیده گرفتن و به رسمیت نشناختن تفاوت‌های فردی است.

شرایط مداخله‌ای تأثیرگذار بر نوع ادراک دانش‌آموزان در این پژوهش دو مقوله عدالت در مدرسه و آرمان‌خواهی تشخیص داده شد.

«بی‌عدالتی در توجه به استعدادها، بی‌عدالتی در برگزاری کنکور و امتحان، بی‌عدالتی در امکانات تحصیل و تربیت، بی‌عدالتی در سیستم زندگی معلمان، بی‌عدالتی در حذف خلاقان و کارآفرینان در مقابل حفظی‌ها و تست زن‌ها؛ اینکه کنکور باید برود معنی‌اش اصلاً حذف یک مسابقه سرکوب نیست؛ معنی‌اش اتفاقاً تغییر کل سازمان آموزشی از ابتدایی تا دانشگاه به یک سیستم عادلانه و خلاق است» (۲۳).

تهیه کتاب‌های کمک آموزشی یکی از مشکلات اصلی دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها محسوب می‌شود و طی مصاحبه‌ها به این نکته اشاره می‌کردند «با قدرت گرفتن لابی‌های مربوط به ناشران کمک آموزشی در آموزش پرورش ما شاهد تغییر هر ساله کتب هستیم و یا در حوزه آزمون‌های آزمایشی که توسط مؤسسات خصوصی برگزار می‌شود و دانش‌آموزان برای شرکت در آن باید هزینه‌هایی را بپردازند. آموزش و پرورش وارد بازار آموزش شده و ۵ درصد از درآمدهای مؤسسات آزمون‌های آزمایشی کنکور سراسر را دریافت می‌کند و برای همین است که در سال‌های اخیر دیگر هیچ وزیر و یا معاون وزیر در آموزش و پرورش را نمی‌بینید که به این آزمون‌ها گیر دهد زیرا خودشان از این آزمون‌ها سهم و سود می‌برند. در عوض دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها قربانیان این کاسبان آموزشی هستند و این با عدالت آموزشی فاصله زیادی دارد. امکان خرید کتاب‌های کمک آموزشی و یا شرکت در انواع کلاس‌هایی

سازهای شش‌گانه نتیجه گرایی، اثربخشی، نقش‌ها و وظایف، ارتقای ارزش‌ها، شفاف‌سازی و پاسخگویی قابل مفهوم‌سازی است. شرایط علی مؤثر بر این مقوله گسست نسلی و فرهنگی و اشتیاق تحصیلی و انگیزه‌های هشیار تعیین گردید.

«مفهوم شکاف در جامعه‌شناسی به آن دسته از تمایزات و تفاوت‌ها اشاره دارد که در جریان تقابل‌های سیاسی، اجتماعی بروز می‌کند که اصلی‌ترین صورت آن، شکاف زندگی مدرن و سنتی است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شیوهی زندگی جدید شورش بر ضد هر چیزی است که از نظر جوانان سنت تلقی شده باشد. (۱۹) «هرگاه چنین تفاوتی موجب بروز کشمکش و عدم تفاهم بین دو یا چند نسل شود، و آنان از پذیرش عقاید و نظرات یکدیگر سرباز زنده گفته می‌شود گسست نسلی ایجاد شده است» (۱۵).

این گسست در سطح خرد بین معلم‌ها و دانش‌آموزان مشاهده می‌شود، در سطح میانه بین دانش‌آموزان و مدیران مدارس و معاونان و در سطح کلان بین مسئولین رده‌بالای آموزش و پرورش و دانش‌آموزان وجود دارد؛ که دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها به آن اشاره کرده‌اند. آن‌ها از روش‌های تدریس قدیمی، شیوه مدیریت کلاس به شکل سنتی، مقتدرانه به روش سخنرانی خوششان نمی‌آید و در عوض از شیوه‌های تدریس مشارکتی مبتنی بر گفت‌وگو بین خود و معلم استقبال می‌کنند و برای همین هم از معلمین جوانی که شیوه‌های نوین تدریس را به کار می‌گیرند بیشتر رضایت دارند. همچنین خواستار حضور و ابراز عقیده و نظر در سطح مدیریت و تصمیم‌گیری‌های مدرسه خود هستند، حداقل خواست آن‌ها توجه به نیازهای روحی و روانی و جسمی‌شان می‌باشد... بین دانش‌آموزان و مسئولین مدرسه نه تنها در سطح هنجارها بلکه در سطح ارزش‌ها نیز این تفاوت‌ها وجود دارد. ما در این پژوهش از آن با عنوان گسست فرهنگی نام برده‌ایم؛ و این تفاوت‌های بین خانواده‌ها، مدرسه و جامعه در بسیاری مواقع طبق آنچه مصاحبه‌شوندگان بیان کرده‌اند به تضاد و تقابل بین ارزش‌های آن‌ها و مدرسه تبدیل شده است؛ و دال مرکزی در مثال‌های ارائه شده توسط دانش‌آموزان بیشتر تعارض در ارزش‌های دینی و مذهبی و رعایت هنجارهای دینی مورد نظر مدرسه بوده است. بین ارزش‌ها و هنجارهای نسل جوان با ارزش‌های نسل گذشته که اکنون تصدیق امور را بر عهده دارند تفاوت‌های زیادی وجود دارد و بی‌تفاوتی به این مسئله تأثیری منفی در ادراک آن‌ها از مدرسه خواهد داشت؛ و در یک کلام می‌شود این‌گونه گفت: «مدرسه از جامعه جدا افتاده. آموزش و پرورش باید به واقعیت‌های جامعه نزدیک‌تر شود» (۲۰). نتایج بدست آمده توسط گراوز و ولش (۲۱) نیز بر اهمیت مطابقت آموزش‌های مدرسه با زندگی واقعی تأکید می‌کند.

عامل علی دیگر که در این پژوهش می‌توان به آن اشاره کرد اشتیاق تحصیلی و انگیزه‌های هشیار دانش‌آموزان برای تحصیل و پیشرفت است که این عوامل در سه سطح خرد (کلاس درس) سطح میانه (مدرسه) و در سطح کلان (نظام آموزشی) مشاهده می‌شود.

رویکرد متمرکز در نظام آموزشی ما در منافات با اصل آزادی انسان قرار دارد؛ و دانش‌آموزان به‌خوبی این اجبار و فشار را در دوران تحصیل خود درک کرده‌اند، به‌عنوان یکی از آرمان‌های خود، از نیازشان به آزادی در انتخاب سبک زندگی و آزادی در بیان عقایدشان صحبت می‌کنند. نتایج به‌دست‌آمده توسط میترا و سری بر^۲ هم سو با نتایج این پژوهش نشان دادند نیاز به گفت‌وگو که امکان تبادل ایده‌های متنوع و در نهایت دستیابی به هدف مشترک را فراهم می‌کند یکی از عوامل مؤثر بر رشد دانش‌آموزان است.

آنان ارزش‌ها و ایده‌آلهایی دارند که با ورود به مدرسه مجبور به تبعیت و پیروی از قوانین موجود در نظام آموزشی هستند خیلی از آن‌ها مدرسه را به قفس یا زندان تشبیه می‌کنند که برای رهایی از آن لحظه‌شماری می‌کردند؛ و این فضا برای پرورش، رشد و بالندگی، تربیت انسان‌هایی خلاق و مفید برای خود و جامعه، فضای مطلوبی نیست.

از شرایط زمینه‌ای می‌توان در مورد کمیت گرایی و اهمیت زیاد به نمره و معدل و پیامدهای آن شواهد و مثال‌های زیادی را بیان کرد. دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مصاحبه تجربه افسردگی و احساس سرخوردگی شدید، از دست دادن اعتماد به نفس در صورت عدم موفقیت در امتحان، از بین رفتن دوستی‌ها در رقابت‌های درسی و تبدیل آن به دشمنی ... را در طی دوران تحصیل داشته‌اند.

آنچه اهمیت دارد این است که علی‌رغم تمام بی‌قدرتی‌ها و نادیده گرفته شدن‌ها، آنان دست از تلاش برنمی‌دارند و نظرات و انتقادات خود را در زمینه‌های مختلف درسی و آموزشی بیان می‌کنند. در سال‌های اخیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بستر مناسبی برای آن‌ها فراهم کرده است و در این راستا ما شاهد کمپین‌های دانش‌آموزان در اعتراض به امور جاری بوده‌ایم و این امر نشان‌دهنده کنش‌گری و عدم انفعال آن‌ها در برابر شرایط نامطلوب موجود است تلاشی برای تأثیرگذاری بر ساختار نامناسبی که در آن قرار گرفته‌اند و انتظار می‌رود مسئولین در جهت برطرف کردن شرایط نامطلوب تلاش بیشتری داشته باشند و گام‌های مؤثری در کاهش پیامدهای نامطلوب و ناخواسته و درعین‌حال تقویت پیامدهای مثبت بردارند. نظام آموزشی و ساختار فعلی مدارس ما به‌گونه‌ای است که سلامت روحی، روانی و جسمی دانش‌آموزان را به خطر می‌اندازد و این چیزی نیست که جزء اهداف نظام آموزشی در کشور ما و نه در هیچ‌کجای جهان باشد. مجموع شرایطی که از آن‌ها در این پژوهش نام بردیم در کنار هم پیامدی متضاد با اهداف اولیه نظام آموزشی ایجاد کرده‌اند. برای کمک به دانش‌آموزان و کاهش این آسیب‌ها در حال حاضر مشاوران و روانشناسان زیادی فعالیت می‌کنند و ما شاهد رونق بازار مشاوران آموزشی و کنکور هستیم. این تلاش‌ها برای بالا بردن ظرفیت تحمل و چگونگی مواجهه با موقعیت‌های دشوار و سخت تا حدی می‌توانند مفید باشند ولی این کار کمکی به تغییر ساختار اجتماعی و اصلاح آن نخواهد کرد. به‌علاوه با توجه به هزینه‌های بالای جلسات مشاوره‌ای برای همه دانش‌آموزان امکان بهره‌مندی و دسترسی به خدمات مشاوران و روانشناسان وجود ندارد.

که این مؤسسات برگزار می‌کنند برای بسیاری از دانش‌آموزان محروم و فقیر مقدور نیست و این یعنی کالایی شدن آموزش و فرصت نابرابر برای تحصیل و آموزش و کسب موقعیت‌های شغلی و اجتماعی بهتر است

این مثال‌ها نمونه‌هایی از حکمرانی نامناسب آموزشی ست. در کشور ما بیش از ۵۰ سال است که کنکور برگزار می‌شود و با اینکه در سال ۱۳۸۵ قانون حذف کنکور به تصویب رسید ما هم چنان درگیر کنکور و پیامدهای نامطلوب حاصل از آن هستیم. مافیای کنکور و گروه‌های فشار سد محکمی در برابر مخالفان کنکور ایجاد کرده‌اند که تنها به منافع اقتصادی خود فکر می‌کنند.

موضوع تعارض منافع به‌عنوان مقوله‌ای مهم در حکمرانی شناخته شده است و دولت‌ها برای افزایش کیفیت حکمرانی سعی کرده‌اند با ایجاد شفافیت و وضع قوانین، ریسک موقعیت‌های تعارض منافع را کاهش دهند و از این طریق فساد و ناکارآمدی دولت را کاهش دهند» (۲۴).

«جان راولز یکی از فلاسفه‌ای است که در زمینه عدالت آموزشی تئوری‌هایی داده است... در عدالت موردنظر راولز شرایط باید به‌گونه‌ای سازمان یابد که:

-نخست: هر شخصی دارای حقی برابر برای بیشترین آزادی اساسی سازگار با یک زندگی مشابه برای دیگران است (اصل آزادی).

-دوم: نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه همواره گریزناپذیر هستند، بیشترین منفعت را برای کم‌بهره‌ترین افراد به وجود آورند و مزیت حاصل از مناصب و مراتب مبتنی بر نظام فرصت‌های برابر باشد (اصل برابری)»

تحقق اصل دوم همان چیزی است که دانش‌آموزان از سیاست‌گذاران آموزشی انتظار دارند درحالی‌که در جامعه ما آموزش به کالایی گران‌قیمت تبدیل شده که اقشار ضعیف و کم‌درآمد توان بهره‌مندی از آموزش‌های باکیفیت را از دست داده‌اند؛ و در نتیجه فرصت‌های احتمالی تحرک و پیشرفت حاصل از تحصیل نیز از آن‌ها گرفته می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده از کنکور ۱۴۰۰ به‌خوبی تأیید کننده این کارکرد پنهان کنکور و مدارس خصوصی است. سور و سیلان همسو با نتایج این پژوهش تأیید می‌کنند که رابطه نزدیکی بین احتمال تحرک اجتماعی، نوع مدرسه و وضعیت مدرسه وجود دارد که با موقعیت‌های احتمالی آینده دانش‌آموزان مطابقت دارد. عامل مداخله‌ای دیگر در این پژوهش آرمان‌خواهی از مدرسه در نظر گرفته شده که در اصل، اول راولز به آن اشاره شده.

«در نگرش مدرن به انسان، این‌گونه تلقی می‌شود که انسان فکر می‌کند، برای او فکر نمی‌کنند. انسان تصمیم می‌گیرد، انسان بزرگ می‌شود، انسان را بزرگ نمی‌کنند. انسان خود رشد می‌کند، به‌جای انسان رشد نمی‌کند و نمی‌توان فرایند رشد انسان از ابتدا تا انتها را سفارش داد... چنین ضرورتی می‌طلبد تا ساختار آموزش از منابع و متون درسی گرفته تا شیوه‌های تدریس از قالب‌گرایی و نتیجه‌محوری خارج کرده و نیز امنیت و آزادی فکری معلمان را فراهم آورد».

² -Mitra & Serriere

¹ .Sever&Ceylan

- Kazempour, Ismail (2019). Conceptualization of good governance in Iran's public education with a phenomenological approach. *New Approach Scientific Research Quarterly in Educational Management*, Year 11, No. 1, Serial 41, pp. 207-191.
6. Dinari, Somia, Andishmand, Vida (2018). Perception and education, quarterly journal of modern research approaches in management and accounting, the third year of students' lived experience of the factors affecting optimism in the system, number 24, winter 2018, volume 3, pp. 1-17.
7. Demin, Jack (2017). *Sociology of contemporary education*, translation: Adibeh Parshan, Reza Sabri, Amer Soltaninejad, Tehran: Sociologists.
8. Ashababand, Ali. (2004). *Sociology of education (5th edition) (37th edition)*, Tehran: Rovand publishing house.
9. Sobhaninejad, Mehdi, Manafi Sharafabad, Kazem. (2018). *Sociology of education (fundamentals, approaches, comprehensive course of theories and key areas)*, Tehran: Yestetron Publishing.
10. Ilyich, Ivan. (2009). *Deschooling of society*. Translation: Daver Sheikhavandi. Tehran: Gisa Publications.
11. Shabani Varki, Bakhtiar (2013). Education and becoming human: Freire's critical theory, *Educational Innovations Quarterly*, No. 8, third year, summer 2013, pp. 106-95.
12. Wexler, Philip, Arjamandi, Gholamreza, Ekhtisadi, Hadiya (1387). *New Sociology of Education*, Puk Noor, 6th Year, Number 3, Autumn 1387, Number 23, pp. 16-23.
13. Iman, Mohammad Taghi. (1388). *Paradigmatic foundations of quantitative and qualitative research methods in humanities*, Qom: Hozeh Research Institute and University.

«حکمرانی خوب از مفاهیمی است که در فرایند توسعه کشورها به‌عنوان شاخص اصلی آموزش و پرورش عمومی به‌حساب می‌آید درواقع طرفداران این نظریه معتقدند استقرار حکمرانی خوب موجب پیدایش زمینه‌های چابکی ساختاری دولت، هوشمندی دولت، تعامل دولت با جامعه جهانی و ارتقای تولید ملی و افزایش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و بین‌المللی در بخش‌های مختلف اقتصادی و موجب پدیدار شدن آموزش عمومی قوی و توسعه‌یافته و عادلانه می‌شود... حکمرانی خوب در مدیریت آموزش عمومی و استفاده از ظرفیت‌های تمرکززدایی اداری و ظرفیت جامعه مدنی و بخش خصوصی برای تحول در آموزش می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات بنیادین آموزش عمومی باشد»

به‌موازات تغییر و حرکت به‌سوی حکمرانی آموزشی مطلوب به‌تدریج می‌توان این نگرش و ادراک منفی در دانش‌آموزان را کاهش داد و به سمت ایجاد خوشبینی به‌نظام آموزشی حرکت کرد. روزون، جعفری و همکاران، دینار و اندیشمند همگی نشان دادند خوشبینی نسبت به‌نظام آموزشی تأثیر مثبتی در رشد و پیشرفت درسی و کاهش ناامیدی و افسردگی دانش‌آموزان دارد.

References

1. Karimi, Fatemeh, Talebi, Behnam (1400). A research on students' lived experiences of the limits of Islamic hijab, family and research quarterly (sociology, psychology and educational sciences), spring 1400, year 18, serial number 50, number 1, pp. 137-150.
2. Ghasemi Pouya, Iqbal (2010). The consequences of running away from school/a review on the emergence of schools in Iran, *Surah Andisheh magazine*, spring 2018, numbers 50 and 51, pp. 77-75.
3. Sharapour, Mahmoud, (1394). *Sociology of education and upbringing (13th edition)*, Tehran: Organization for the study and compilation of humanities books of universities (Samt), Humanities Research and Development Center (1387).
4. Parvizi, Sarwar, Ahmadi, Fazlah, Nikbakht Nasrabadi, Alireza (2004). From identity to health, theoretical explanation of health from the perspective of teenagers, *Medicine and Cultivation*, fourth year, winter 2014, pp. 27-37.
5. Nasir Natri, Jafar, Khalkhali, Ali, Shakibaei, Zohra, Suleimanpour, Javad and

¹.Rosen

education. Tehran: Mashash Shab Publications.

- Groves, R., & Welsh, B. (2010). The high school experience: What students say. *Issues in Educational Research*, 20(2), 87-104.

21. Al-Ahmadi, Maryam Al-Sadat and Sharfi Abgha, Afsanah, (2015). The importance and necessity of using an up-to-date textbook in the teaching and learning process, National Conference of Psychological Science and Technology, Educational Sciences and Comprehensive Psychology of Iran, Tehran.

22. Hosseini, Seyed Majid. (2018). All against the school in praise of equality and the fight against discrimination (1st edition). Tehran: Mania Honar Publications.

23. Karimian, Jalal (2019). Collection of Reports on Poverty, Inequality and Conflict of Interests 2. Poverty and Inequality in Education, Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare, Deputy of Social Welfare, Office of Social Welfare Studies, October 2019.

14. Ansari, Maryam, Rajabi, Masoumeh (2015). An analysis of the components of educational justice according to John Rawls, the 7th National Conference of the Iranian Philosophy of Education Association, philosophy of education and the realm of social and human sciences, Shiraz University, May 30 and 31, 1995.

15. Fathi, Mohammad Reza and Fuladi, Ahmed and Asadi, Samira (2014). The gap of generations and the role of the curriculum in solving it, the first national conference of science and modern management of cultural and social planning of Iran, Tehran.

16. Azizi, Behnam, Ojinejad, Ahmadreza (2018). The mediating role of academic enthusiasm in relation to goal orientation and academic self-efficacy, *New Approach Scientific Research Quarterly in Educational Management*, Year 10, Number 3, Autumn 98, Series 39, pp. 315-336.

17. Izadi Fard, Razia (2016). The confrontation of tradition and modernity, the challenges facing talent development, the third international conference on talent management in the third millennium, Tehran.

18. Rajabi, Alireza, Shamradi, Seideh Nilufar, Hassan Moradi, Narges (1400). Governance of higher education in Iran: a meta-analysis on harms and solutions, *scientific journal of applied educational leadership*, first year, number 4, winter 2019, pp. pp. 27-46.

19. Azizian, Nasreen (2014). Examining the role of family and education in creating the generation gap phenomenon and providing solutions to solve it, the second national conference on sustainable development in educational sciences and psychology, social and cultural studies, Tehran,

20. Nazari, Morteza. (2017). The death of the school? Critical speeches in Iran's